رمز بقاي دين اسلام

خورشيد مكه: يكي از مهم‌ترين اهداف مجله خورشيد مكه، نشان دادن چهره‌ي زيبا و دل نشين دين مقدس اسلام است كه مي‌كوشد با بيانات علمي، جذاب و بر اساس حقايق فطري، به اين هدف والا نائل آيد و زمينه‌هاي روشن فكري براي پذيرش حقانيت دين اسلام و يا استحكام بيشتر آن را در افراد مختلف پديد آورد و به يكي از آرزوهاي ياران حضرت بقيةالله (ارواحنافداه) كه هدايت مردم عصر غيبت و آماده ساختن آنان براي روز ظهور اسلام و حكومت جهاني آن است در حد توان خود، جامه عمل بپوشاند.

در اين راستا، كتاب ارزش مند "مناظره دكتر و پير"، اثر استاد شهيد مرحوم حجت الاسلام والمسلمين سيدعبدالكريم هاشمي نژاد كه سال‌ها پيش از انقلاب اسلامي به چاپ رسيده، مباحث برجسته‌اي را در اين زمينه دارا است و چنانچه ظرفيت زماني و صفحات مجله اجازه مي‌داد دوست داشتيم تمامي اين كتاب را به چاپ برسانيم اما اين مهم براي ما مقدور نبوده و به ناچار گزيده هايي از اين اثر ارزشمند را در شماره‌هاي مختلف تقديم خوانندگان محترم خواهيم نمود.

استاد شهيد مرحوم سيد عبدالكريم هاشمي نژاد (قدس‌سره) مطالب و معارف ارزشمند خود را در قالب يك مباحثه و مناظره فرضي و دوستانه كه بين يك پيرمرد روشن ضمير به عنوان بيان كننده حقايق دين و عده‌اي از هم سفران او كه در يك قطار به وقوع پيوسته، در اين كتاب مطرح نموده است. در قسمتي از اين كتاب پيرامون رمز بقاء دين اسلام در همه‌ي زمان‌ها مي‌خوانيم:

آن‌ها كه تاريخ اسلام را ننگين كردند

پيرمرد: مطمئن باشيد كه دين مقدس اسلام اگر طبيعي و فطري نبود تاكنون در جذر و مد حوادث جهان هضم شده و پس از گذشتن هزار و چهارصد سال به صورت زنده‌ترين مكتب‌هاي عالم شناخته نمي‌شد. آيا هيچ مي‌دانيد كه يكي از اسرار مهم بقاء دين اسلام تا به امروز همين نكته است كه بيان كردم؟

دكتر: تقاضا مي‌كنم توضيح بيشتري بدهيد!

پيرمرد: بقاء هر نظامي در عالم، معلول عواملي است. خواه آن عامل مادي باشد يا معنوي. ولي اسلام نه تنها هيچ يك از علل مادي و ظاهري براي بقاء خود نداشته و ندارد، بلكه عوامل فراواني هم براي سقوط آن موجود بوده و هم اكنون هم هست زيرا به شهادت تاريخ پس از رحلت پيغمبر (صلي اللّه عليه وآله) مسير دين عوض شده و كسي كه پيامبر اسلام او را به امر پروردگار براي رهبري مسلمانان انتخاب كرده بود يعني علي(عليه‌السلام) زمامدار مردم نگرديد، و باند خطرناكي از منافقين مسيري را در هدايت و رهبري امت اسلام باز كرد كه پست‌ترين و منحرف‌ترين طايفه‌ها يعني بني اميه و بني العباس به قدرت رسيدند. ‌

اين دو قبيله با در دست گرفتن قدرت، آن قدر انحراف عملي و اخلاقي از خود نشان دادند كه ننگين‌ترين دوران تاريخ اسلام را بايد در همين زمان جستجو نمود، دستگاه خلافت را مبدل به تشكيلات سلطنت نموده بساط عياشي و شهوتراني جاي صفا و روحانيت دين را گرفته بود. كنيزكان زيبا و خوانندگان شهوت انگيز به جاي قاريان قرآن و مؤذنين، مشغول دل‌ربايي و نواختن گرديدند، سفره‌هاي شراب و قمار آزادانه پهن شده و كار ميگساري در بساط خلفا و جانشينان غاصب پيغمبر به‌اندازه‌اي بالا گرفت كه اطرافيان و بله قربان گويان وليد (كه يكي از خلفا بوده است) روزي به وي گفتند: خليفه مسلمين! تا اين درجه در خوردن مي افراط منما، زيرا اين عمل مخالف قانون مقدس اسلام است و نص صريح قرآن است، وليد گفت مي‌خواهم عواقب كار خود را از قرآن تفأل بزنم. قرآن را گشود در سطر اول صفحه آن نوشته بود: “وَسَيَعْلَمُ الَّذِينَ ظَلَمُوا أيَّ مُنقَلَبٍ يَنقَلِبُونَ”[1]: “به زودي ستمگران خواهند دانست كه چه سرنوشتي در انتظار آن هاست”؛ وليد با ديدن اين جمله غضبناك شد. بار ديگر قرآن را گشود اين آيه شريفه آمد: “وَخَابَ كُلُّ جَبَّارٍ عَنِيدٍ”[2]: “هر ستمگر كينه توزي زيان كار است”، وليد در اين هنگام سخت عصباني گرديد و تير و كماني خواست و قرآن را هدف تير قرار داد ...

سخني از سيد جمال

از تمام اين علل براي سقوط دين مؤثرتر رفتاري است كه مسلمانان جهان دارند، و اين عامل تا آن جا نيرومند و قويست كه خود به تنهايي كافي است تشكيلات وسيع و منظمي را در هم بريزد، زيرا دنيا به دين اسلام از زاويه اعمال مسلمانان نگاه مي‌كند و متأسفانه در بسياري از موارد اعمال بعضي از مسلمانان آن قدر ننگين است كه راستي انسان از بيان آن‌ها شرم دارد.

چه بسا دل‌هاي پاك، كه با ديدن قوانين نوراني اسلام بي اختيار خاضع گرديده و در آستانه دين مقدس اسلام قرار مي‌گيرند. ولي با يك توجه مختصر به اعمال جمعي از مسلمين از پذيرفتن اسلام منصرف مي‌گردند.

به قول سيدجمال الدين اسد آبادي: “اگر ما بخواهيم دنياي غرب را به اسلام دعوت كنيم، اول بايد اثبات نماييم كه ما مسلمان نيستيم سپس دعوت خود را شروع نماييم”.

راستي جاي بسي تأسف است، مسلماناني كه يك روز در سراسر جهان نمونه كامل انسانيت و اسطوره فضيلت بوده‌اند امروز بايد در چنين وضعيتي قرار داشته باشند! جمعي هم كه متأسفانه نمي‌توانند بين "اسلام" و "مسلمانان" فرق بگذارند و اين واقعيت را درك كنند كه پيامبر از جانب خداوند، اسلام آورده است نه مسلمان، لذا با ديدن يك انحراف عملي از مسلماني، ممكن است آن را به حساب دين گذاشته و نسبت به آيين اسلام بدبين شوند، اين‌ها و ده‌ها عوامل نيرومند ديگر قسمتي از علل و موجباتي است كه مانند سدي محكم در برابر پيشرفت دين مقدس اسلام وجود داشته و دارد. دوستان عزيز! تصديق مي‌فرماييد كه با در نظر گرفتن علل فوق و عوامل ديگري كه در اين جا از آن‌ها يادي نكرديم بايد در عصر حاضر در سراسر جهان نامي از اسلام باقي نمانده باشد. اما خوشبختانه نه تنها جلوه‌هاي خيره كننده قوانين اسلام، دنيا را شيفته خود نموده، بلكه شعاع فروزان آن روز به روز بيش از پيش مي‌گردد، تا جايي كه كمتر دانشمند منصفي پيدا مي‌شود كه كم و بيش مطالعاتي درباره‌ي اسلام داشته و مع ذلك در پيشگاه عظمت پيغمبر اسلام خاضع نبوده و در برابر اين شخص بي نظير جهان بشريت كرنش ننمايد.

گفتار دانشمندان جهان درباره اسلام

دكتر "لورا واكسيا واگليري”[3] استاد دانشگاه ناپل مي‌نويسد: “چه علت دارد كه با وجود آزادي‌هاي زيادي كه در كشورهاي اسلامي به افراد غير مسلمان داده شده و با اين كه در زمان حاضر به معني واقعي هيچ گونه سازمان تبليغاتي در اسلام وجود ندارد، مع ذلك در برابر آثار و علايم محسوس ضعيف و انكسار دين، در سال‌هاي اخير كيش اسلام لاينقطع در آسيا و آفريقا پيشرفت مي‌كند؟! امروز نمي‌توان گفت كه شمشير فاتحين، راه را براي نشر اسلام صاف مي‌كند، بلكه بالعكس در منقطه‌هايي كه يك وقتي دولت‌هاي اسلامي حكومت مي‌كردند، فعلاً دولت‌هاي تازه از ساير اديان حكومت دارند و سال‌ها است كه سازمان‌هاي تبليغاتي نيرومندشان در ميان مسلمين فعاليت مي‌كنند. با اين حال نتوانسته‌اند اسلام را از زندگي مردم جدا كنند، چه نيروي معجزه آسايي در اين دين نهفته است، چه نيروي ذاتي از اقناع و ارضاء با اين دين ممزوج شده است، كدام يك از اعماق و زواياي روح بشر است كه با چنين جوش و خروش آن را استقبال مي‌كند و به اين نداي دعوت، لبيك اجابت مي‌گويد”؟!

دوستان! آيا هيچ مي‌دانيد كه با وجود اين همه علل و موجباتي كه براي اضمحلال و سقوط دين اسلام وجود دارد چرا تا اين حد پيشرفت آن در جهان سريع بوده است، كه حتي دكتر واگليري را به حيرت انداخته است؟!

به عقيده من يكي از مهمترين علل اين مطالب همانا فطري و طبيعي بودن قوانين اسلام است، يعني چون اسلام يك دين طبيعي است و قوانين آن جزو ناموس فطري جهان است لذا هر فطرت پاكي اگر به راستي به اين قوانين دست يابد به طور طبيعي و بلافاصله در خود نسبت به آن احساس ميل و علاقه مي‌نمايد. و باز به علت طبيعي بودن قوانين مقدس اسلام است كه ما معتقديم اين دين به خودي خود باقي مانده و با گذشت زمان كهنه نمي‌گردد.

اعترافات مستر ويلز

"مستر ويلز”[4]، نويسنده بزرگ انگليسي مي‌گويد: “ديانت حقي كه من آن را با مدنيت همدوش و همراه يافتم تنها دين اسلام است و اگر كسي بخواهد چيزي از آن بشناسد بايد قرآن و نظريات علمي و قوانين و نظامات اجتماعي آن را بخواند، قرآن كتابي است ديني، علمي، اجتماعي، تهذيبي، اخلاقي، تاريخي و بيشتر نظام‌ها و قوانين آن تا زمان ما به كار رفته و تا پايان جهان هم باقي خواهد ماند، اگر كسي حدود اسلام را از من بپرسد من در تحديد آن مي‌گويم: اسلام همان مدنيت است. آيا يكي از افراد انسان مي‌تواند دوره‌اي از ادوار زندگي را به من نشان بدهد كه اسلام مغاير با مدنيت بوده و پيشاهنگ آن نبوده باشد. خلاصه آن‌كه قرآن در هر زمان و دوره‌اي تازه و دلكش است”. [5]

آري، به راستي قوانين اسلام، تنها قانون آسماني است كه در تمام ادوار زندگي بشر رهبر و پيشرو اوست و هميشه تازه و با طراوت است، با اين تفاوت كه در ابتداي طلوع خود چون مصادف با جهان ظلماني و افكار تيره بشر آن روز بود غالب پيروانش تنها از نظر ايمان و عقيده در برابر آن خاضع گرديدند ولي ارزش علمي اين دين كاملاً مجهول بوده است. اما هرقدر كه دامن جهان پهن‌تر شده و افكار بشر منورتر گرديده و هر روز كه سنگري از علم و دانش به دست افراد انسان فتح شده است عظمت علمي دين مقدس اسلام و آورنده‌ي عظيم الشأن آن در جهان هويدا و آشكارتر گرديده تا جايي كه امروز نه تنها نزديك به ششصد ميليون‌[6] مسلمان جهان با احترام خاصي به پيغمبر اكرم (صلي اللّه عليه وآله) مي‌نگرند بلكه رهبر بزرگ مسلمين در چشم بزرگ‌ترين دانشمندان روز نيز به عنوان كامل‌ترين فرد انسانيت به شمار آمده و بالاترين لقب‌هاي علمي را به حضرتش مي‌دهند.

پي‌نوشت‌ها:

[1] – سوره شعرا، آ يه آخر

[2] – سوره ابراهيم، آيه 15

[3- ] Dr.Lauravacciavaglieri

[4]- mr.wills

[5] – در اين باره كه قرآن چرا هميشه تازه است، به طوري كه هر قدر هم مكرر خوانده شود به طراوت او لطمه وارد نمي‌آيد: از امام محمد باقر(عليه‌السلام) روايتي نقل شده كه فرمودند: چون قرآن براي افراد معين يا زمان خاص نازل نشده، بلكه براي همه مردم در تمام ادوار جهان آمده است.

[6] – خورشيد مكه: اين آمار، به بيش از 35 سال پيش زماني كه مرحوم شهيد هاشمي نژاد كتاب را تأليف فرموده‌اند باز مي‌گردد، اما در حال حاضر اين رقم به حدود يك ميليارد و پانصد ميليون نفر ب